تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۴/۲۳
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۲۵
تاریخ چـاپ مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵

زهرا رستا[۱]، سید علی مجابی[۲]

# روایت‌شناسی تطبیقی داستان « معصوم اول» هوشنگ گلشیری و فیلم « سایه‌های بلند باد» بهمن فرمان‌آرا براساس آراء ژرار ژنت

## چکیده

داستان‌هایی که قابلیت تبدیل به فیلم‌نامه را دارند و فیلم‌های اقتباسی ساخته‌شده از این داستان‌ها هر دو در ساختار خود از شیوه‌ها و علوم مختلف معنایی برای خلق روایت استفاده می‌کنند. نظریه‌های مختلف علم روایت‌شناسی، ساختار و اجزاء روایت داستان و اثر اقتباسی را تجزیه‌وتحلیل و مقایسه می‌کنند. یکی از مهم‌ترین نظریه‌ها در این‌زمینه، نظریه ژرار ژنت است. پژوهش حاضر داستان‌کوتاه هوشنگ گلشیری به نام « معصوم اول» و فیلم « سایه‌های بلند باد» ساخته‌ی بهمن فرمان‌آرا، که اقتباسی از آن است را ازمنظر سطوح مختلف عناصر روایت‌شناسی شامل نظم، تداوم زمانی، صدا و لحن در بخش‌های مختلف داستان و فیلم براساس نظریات ژنت موردبررسی و مقایسه‌تطبیقی قرار می‌دهد تا بتواند میزان موفقیت آن‌ها در روایت‌پذیری را موردسنجش قرار دهد. این سنجش‌ها نشان داد که در برخی از سطوح داستان و فیلم ازلحاظ روایت‌شناسی از اثر مقابلش پیشی گرفته است. اگر خالق اثر هنری از سطوح روایت‌شناسی بهره‌ی بیشتری بگیرد، می‌تواند در خلق اثر هنری خود و ماندگاری آن در ذهن خواننده یا بیننده بهترین عملکرد را داشته باشد. اثر هنری حاصل‌شده از این روش، به هنری با قابلیت فهم بیشتر برای خوانندگان و بینندگان تبدیل می‌شود. بنابراین با اندازه‌گیری تعداد رویدادها می‌توان مشاهده کرد که فیلم از سطوح روایت‌شناسی بهره بیشتری نسبت به داستان برده است.

**واژگان کلیدی:** داستان « معصوم اول»، فیلم « سایه‌های بلند باد»، ژرار ژنت، هوشنگ گلشیری، بهمن فرمان‌آرا

[۱] دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده‌معماری‌وشهرسازی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه‌آزاداسلامی، اصفهان، ایران
E-mail: annabella.rasta@yahoo.com

[۲] استادیار گروه هنر، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه‌آزاداسلامی، نجف‌آباد، ایران

## مقدمه

داستان‌گویی در ادبیات مفاهیم اخلاقی و اجتماعی مشخصی را به مخاطب القاء می‌کند. از دیرباز تاکنون نیز شاعران و نویسندگان بی‌شماری در عرصه داستان‌پردازی نام‌آور بوده‌اند که هوشنگ گلشیری ازجمله آن‌هاست. داستان « معصوم اول» او مفاهیم اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی مختلفی همچون خرافه، جهل و سنت‌های اجتماعی مخرب را بازگو می‌کند. از این داستان اقتباس‌های زیادی برای ساخت فیلم صورت گرفته است که ازآن‌جمله می‌توان به اثر « سایه‌های بلند باد» بهمن فرمان‌آرا اشاره کرد. در این پژوهش داستان و فیلم اقتباسی در سه سطح اصلی روایت‌گری موردنظر ژرار ژنت با سنجش سطوح مختلف عناصر روایت‌شناسی تحلیل و توصیف می‌شوند و میزان موفقیت روایت‌گری آن سنجش می‌شود.

## پیشینه تحقیق

درباره روایت‌شناسی آثار هوشنگ گلشیری تاکنون کتاب یا رساله‌ی مستقلی تألیف نشده است. در معدود پژوهش‌هایی که درباره‌ی روایت داستان‌های گلشیری انجام شده است، نویسندگان از روش‌شناسی و یا نظریه‌ای خاص به بررسی آثار او نپرداخته و یا تمام ابعاد ساختار روایی آثار او را مدنظر قرار نداده‌اند. تحقیقات این پژوهش‌گران بیشتر به یک یا چند مؤلفه‌ی از روایت‌گری محدود بوده است. همچنین درخصوص بررسی آثار بهمن فرمان‌آرا بررسی‌های عمومی انجام شده است که فاقد روش‌شناسی معین و خاصی است. صالح حسینی (۱۳۷۲) در کتاب خود با عنوان *بررسی تطبیقی شازده‌احتجاب* و *خشم‌وهیاهو*، به بررسی سبک و نگاه متفاوت نوشتار داستان « شازده‌احتجاب» و « خشم‌وهیاهو» پرداخته و آن‌ها را با یکدیگر بررسی می‌کند. درواقع نوع نگاه‌های متفاوت در دو داستان با همدیگر مقایسه شده است. در این کتاب صالح حسینی به نقش جریان‌سیال‌ذهن در پرسوناژهای موجود در این داستان‌ها اشاره کرده است. کاووس حسن‌لی و زیبا قلاوندی (۱۳۸۸) در مقاله خود با عنوان « بررسی تکنیک‌های روایی در رمان شازده‌احتجاب گلشیری» به بررسی تکنیک‌های گلشیری درزمینه‌ی زاویه‌دید مستقیم و غیرمستقیم پرداختند. آن‌ها نتیجه گرفتند که این رمان دارای جریان‌سیال‌ذهن بوده اما به آشفتگی سایر رمان‌ها نیست. مقاله‌ی « تحلیل و بررسی شازده‌احتجاب با دیدگاه ساختارگرایانه»، مریم سیدان (۱۳۸۷) نیز روایت ساختارگرایانه داستان « شازده‌احتجاب» را با توجه به نظریات ژنت، تودوروف، بارت و غیره بررسی می‌کند. در این مقاله به سه نوع ساختار در داستان دست یافته‌اند که شامل ساختار ضعیف، ساختار قوی و ساختار توصیفی است. کاظم دزفولیان و فؤاد مولودی (۱۳۹۰) در مقاله‌ی ای با عنوان « روایت‌شناسی یک داستان‌کوتاه از هوشنگ گلشیری»، به بررسی ساختارگرایی براساس نظریه ژنت در داستان « معصوم دوم» گلشیری پرداخته و به این نتیجه رسیده که متن داستان با سطح روایی آن خیلی متفاوت است. اما در مورد آثار بهمن فرمان‌آرا پژوهش جامع و قابل‌استنادی در دسترس نیست. بیشتر بررسی‌ها به‌صورت گفت‌وگوهای دسته‌جمعی یا مصاحبه‌های انجام‌گرفته در مورد آثارش است. ازجمله پژوهش‌گرانی که درزمینه‌ی آثار فرمان‌آرا تحقیقی انجام داده‌اند، می‌توان به اعظم راودراد و ساحل فرشباف (۱۳۸۷) در مقاله‌ی ای با عنوان « تحلیل آثار بهمن فرمان‌آرا ازمنظر جامعه‌شناسی» اشاره داشت. در این مقاله به رابطه متقابل در جامعه ایران و مفهوم مرگ در زندگی از زاویه‌ای دیگر پرداخته شده است، مرگ عامل رهایی فرد از جامعه است. آرمیتا اصغری (۱۳۹۲) نیز در مقاله‌ی « بررسی مضمون شخصیت در آثار بهمن فرمان‌آرا و رمان نو فرانسوی»، به شخصیت‌پردازی کاراکترها در فیلم‌های فرمان‌آرا پرداخته و آن‌ها را با شخصیت‌های رمان‌های نو فرانسه مقایسه می‌کند و نتیجه می‌گیرد شباهت بعضی از این کاراکترها

به همدیگر متأثر از شرایط اجتماعی بوده است. درمجموع می‌توان گفت که در هیچ‌یک از تحقیقات انجام‌شده تابه‌امروز به بررسی تطبیقی بین آثار اقتباسی فرمان‌آرا از داستان‌ها و رمان‌ها پرداخته نشده و مقاله موجود ازاین‌منظر بیان‌کننده دیدگاهی نو است.

## روایت‌شناسی ژرار ژنت

ژرار ژنت با تقسیم روایت به سطوح مختلف، تمایزی را که فرمالیست‌ها میان قصه و طرح قایل می‌شوند را پرداخت می‌کند. این سه سطح عبارت‌اند از قصه (داستان)، سخن (روایت) و گزارش (روایت‌گری در قصه، داستان) رویدادهای روایت‌شده به‌ترتیبی که اتفاق افتاده‌اند، بیان می‌شوند. در سخن (روایت) گفتمان متن یا ترتیب رویدادها در متن بی‌توجه به ترتیب و توالی واقعی رویدادها موردبحث قرار می‌گیرد و درنهایت در گزارش (روایت‌گری) عمل روایت کردن و داستان‌گویی برای مخاطبان بررسی می‌شود(مخبر، ۱۳۸۴: ۱۴۶). ژنت در سه ویژگی تعامل این سه سطح را شرح می‌دهد.

**الف- زمان دستوری،** که منظور از آن آرایش در روایت کردن از دیدگاه زمان است که خود با سه مؤلفه نظم‌وترتیب، مدت یا تداوم و تکرار یا بساند همراه است.

منظور از نظم‌وترتیب، ترتیب زمانی رخدادهای داستان نسبت به ارایه همین رخدادها در گفتمان روایی است (لوته، ۱۳۸۶: ۷۲). ژنت دراین‌باره معتقد است که بررسی نظم زمان‌مندانه روایت مبتنی است بر مقایسه میان ترتیبی که رخدادها یا بخش‌های زمان‌مند در سخن روایی انتظام می‌یابند، با ترتیب زنجیره‌ای که همین رخدادها یا بخش‌های زمان‌مند در داستان دارند؛ به‌گونه‌ای که نظم‌وترتیب زمانی مربوط به داستان یا به‌واسطه خود روایت مورداشارت قرار می‌گیرد و یا از این یا آن سرنخ فهمیده می‌شود (قاسمی پور، ۱۳۸۷: ۹۲). دراین‌بین اگر متنی به‌گونه‌ای روایت شود که زمان آن با داستان هم‌خوانی نداشته باشد، نوعی زمان پریشی به‌وجود می‌آید. همچنین بی‌نظمی در ترتیب داستان مؤلفه‌های مانند پس‌نگری (گذر به گذشته) و پیش‌نگری (گذر به آینده) را شکل می‌دهد. همچنین رابطه بین مدت یا زمانی که رویدادی معین در داستان اتفاق می‌افتد و یا تعداد صفحاتی از روایت را که به توصیف رویداد می‌پردازد را مؤلفه‌ی مدت یا تداوم می‌نامند. تکرار یا بسامد نیز به بیان تعداد رخداد حوادث و تعداد دفعات بیان رخداد آن مربوط می‌شود و بر چهار نوع روایت مفرد، که در آن واقعه یک بار روی داده و یک بار هم بیان شد، روایتِ باز، که در آن واقعه‌ای چندین بار رخ می‌دهد و یک بار نقل می‌شود، روایت تکراری، که در آن واقعه یک بار روی می‌دهد و چند بار نقل می‌شود، و روایت چندگانه، که در آن واقعه‌ای چندین‌بار روی می‌دهد و چندین‌بار بیان می‌شود، تقسیم می‌شود (یعقوبی ۱۳۹۱: ۲۹۲).

**ب. وجه یا حال‌وهوا،** که ازطریق فاصله و دیدگاه یا چشم‌انداز خلق می‌شود. فاصله بین روایت‌گری و داستان است و هنگامی پدید می‌آید که راوی داستان یکی از شخصیت‌های آن باشد. در این حالت راوی میانجی است که داستان از صافی ذهن او گذرانده می‌شود. هرچه میزان مداخله راوی بیشتر باشد، فاصله بین روایت‌گری و داستان بیشتر می‌شود و کمترین فاصله میان داستان و روایت‌گری زمانی ایجاد می‌شود که خواننده حضور راوی را احساس نکند. دیدگاه یا چشم‌انداز، نیز زاویه‌دید یا چشمانی است که ازمنظر آن هر بخش معین از روایت دیده می‌شود. گرچه راوی ممکن است در حال گفتن داستان باشد، اما زاویه‌دید می‌تواند به شخصیت‌های دیگری تعلق داشته باشد. به‌عبارتی‌دیگر، اگرچه راوی رویدادها را بر مخاطب یا خواننده روایت می‌کند، اما همیشه چشم‌انداز روایت به او تعلق ندارد (تایسن،۱۳۸۷: ۳۷۲ ).

ج. صدا یا لحن، که همان صدای راوی است. هنگام تحلیل صدا، رابطه راوی با داستانی که گفته می‌شود و با روشی که با آن داستان گفته شده، بررسی می‌شود (مولودی؛ ۱۳۸۸: ۹۰).

## روش تحقیق

براساس آن‌چه از روایت‌شناسی ژرار ژانت بحث شد می‌توان شیوه تطبیق در دو اثر داستانی « معصوم اول» هوشنگ گلشیری و فیلم اقتباسی «سایه‌های بلند باد» را به‌صورت شکل ۱ نشان داد. با توجه به آن‌که روایت‌شناسی ژنتی دارای ابعاد مختلفی است، می‌توان مرحله‌به‌مرحله دو اثر موردپژوهش را بررسی کرد. در این پژوهش برای بررسی زمان دستوری با بیرون کشیدن تعداد رویدادها در داستان و تعداد سکانس‌ها در فیلم می‌توان به‌صورت دقیق‌تری داستان و فیلم را ازنظر زمانی تحلیل کرد. برای این کار تعداد رویدادها و تعداد سکانس‌ها شمارش‌شده و در جدول‌های مربوطه نشان داده می‌شوند. با بررسی حضور شخصیت‌ها در رویدادهای داستان و سکانس‌های فیلم مشخص می‌شود که نویسنده داستان و فیلم‌ساز به چه میزانی از روایت‌شناسی با توجه به صدای شخصیت‌های اصلی و سایر شخصیت‌ها، اجازه بروز به آن‌ها داده‌اند. شکل ۱ مراحل بررسی تطبیقی روایت‌شناسی در داستان « معصوم اول» گلشیری و فیلم « سایه‌های بلند باد» بهمن فرمان‌آرا را براساس نظریه ژنت در این مقاله نشان می‌دهد.

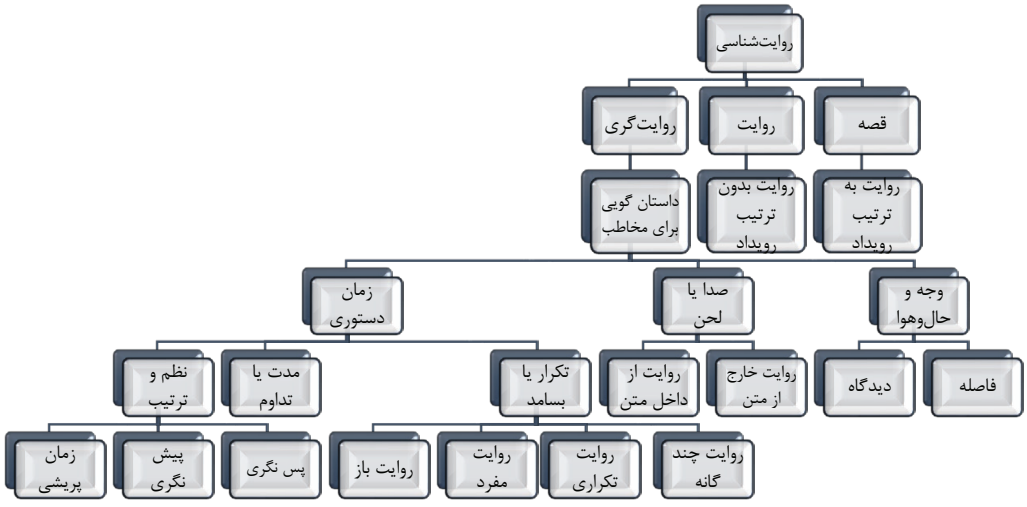


**شکل شماره ۱: مراحل بررسی تطبیقی روایت‌شناسی در داستان و فیلم براساس نظریه ژنت**

## سطح اول روایت در داستان « معصوم اول» و فیلم « سایه‌های بلند باد»

با توجه به آن‌چه در آراء ژنت بیان شده است، سه سطح روایی داستان « معصوم اول» و فیلم « سایه‌های بلند باد» و مؤلفه‌های موجود در این سطوح بررسی می‌شود تا سازوکار روایی آن مشخص شود. سطح اول روایت، داستان است که در آن توالی رویدادهای روایت‌شده آن‌گونه که روی داده ذکر می‌شود.

آن‌چه در بیان آمد سطح اول روایت مطرح می‌شود از متن داستان و از سکانس‌های فیلم استخراج شده است. در داستان، راوی مؤلف نیست و خودش نیز در بطن روایت وجود دارد. بنابراین راوی، جزییات حوادث را بیان می‌کند و اتفاقاتی که برای خودش رخ داده، همراه با جزییاتش برای خواننده نقل می‌شود. در فیلم نیز راوی وجود ندارد و روایت در طول سکانس‌ها در اختیار بیننده قرار می‌گیرد. جزییات روایت، صحنه‌های پشت‌سرهم وقایع را به نمایش می‌گذارند.

## سطح اول روایت در داستان « معصوم اول» هوشنگ گلشیری

معلمی در حال نوشتن جواب نامه برادرش که شش سال است در شهری دیگر زندگی می‌کند، است. معلم

در روستا با همسر و فرزندش زندگی می‌کند او پس از احوال‌پرسی در آغاز نامه در حال گزارش اخبار و وقایع روستا است تا آن‌ها را به اطلاع برادرش برساند. نامه ابتدا از احوال روستاییان شروع می‌شود و آن‌ها را نام می‌برد مانند دختر کل‌حسن، اصغر فتح‌الله، زن‌دایی، میرزاعمو و سایر شخصیت‌ها که در نامه از احوالشان صحبت می‌شود. هنگامی‌که به اسم عبدالله یکی از ساکنین می‌رسد وارد جزییات بیشتری شده و در مورد اتفاقات غیرعادی که در ارتباط با عبدالله و مترسک روستا که حسنی نام دارد، صحبت می‌کند. در مورد عبدالله این‌طور می‌نویسد که او شخصی لاابالی و عرق‌خور است. یک ماشین قراضه دارد و در کارها و خرید مایحتاج روستاییان به آن‌ها کمک می‌کند. عبدالله یک روز در حالت مستی برای مترسک (حسنی) مزرعه و باغ‌ها چشم‌وابرو می‌کشد و برایش سبیل می‌گذارد و او را به هیبت یک نگهبان درمی‌آورد. از آن روز به بعد اتفاقات بدی برای ساکنین روستا پیش می‌آید. ننه‌صغرا از دیدن هیبت مترسک تا حد مرگ ترسیده و بی‌هوش می‌شود. سپس تقی آبیار از شدت ترس به خانه‌ای پناه می‌برد که زن صاحب‌خانه از ترس بچه سقط می‌کند. دختر کدخدا که گم شده بود به‌صورت عجیبی درحالی‌که خواب بوده زیر پای مترسک پیدا می‌شود. معلم در ادامه نامه‌اش اشاره می‌کند که خودش و زنش هم‌صدای راه رفتن مترسک در شب را شنیده‌اند و دچار ترس شدید شده‌اند. زن حاج‌تقی برای این‌که آسیب نبیند و بتواند بچه‌اش را به دنیا بیاورد دست به دامان حسنی مترسک شده و او را غسل می‌دهد تا رفع بلا بکند. تا این‌که عبدالله به‌خاطر این اتفاقات بد تصمیم می‌گیرد یک شب با بیل به سراغ مترسک برود و آن را بی‌اندازد. اما او هم طی حادثه‌ای دو تا از انگشتان پایش آسیب می‌بیند. از همین زخم انگشتان پا دچار تورم و عفونت شده است. باید پایش را قطع کنند اما عبدالله نمی‌خواهد مانند مترسک یک پا داشته باشد و ترجیح می‌دهد که بمیرد. در انتهای نوشتن نامه با مردن عبدالله و خاک کردن او در قبرستان نزدیک جایی که مترسک وجود دارد. معلم می‌نویسد که هنوز هم شب‌ها صدای پای مترسک را می‌شنوند درحالی‌که اکنون دو پا دارد. نامه با سلام رساندن زن‌وبچه معلم به برادرش پایان می‌گیرد.

## سطح اول روایت در فیلم « سایه‌های بلند باد»

روایت در هفده سکانس به تصویر کشیده شده است. در سکانس اول اهالی روستا دسته‌جمعی در حال خواندن اشعاری هستند گویا کسی را می‌خوانند و از او کمک می‌گیرند. یک صندلی بزرگ که به تخت شبیه است و یک شمشیر برای کسی که احضارش می‌کنند آماده و محیا است. مردم چهارچوب یک مترسک را در مزرعه سر پا می‌کنند برایش اسفند دود می‌کنند و به آن لباس می‌پوشانند. سپس عبدالله سوار بر مینی‌بوس خود اهالی روستا را در کنار جاده نزدیک مزرعه پیاده می‌کند. ماشین در گل فرورفته و نمی‌تواند جلوتر برود. عبدالله شاگردش را به ده می‌فرستد و خودش به کنار چشمه نزدیک مزرعه می‌رود. مترسک در مزرعه پیداست. عبدالله در کنار چشمه شیشه عرقش را می‌نوشد و اولین برخورد او با حسنی این‌جا آغاز می‌شود عبدالله با تکه زغال برای حسنی چشم، ابرو و سبیل می‌کشد و کلاه خودش را بر سر حسنی می‌گذارد. عبدالله به قهوه‌خانه روستا می‌رود. اهالی روستا از او به‌خاطر آراستن حسنی تشکر می‌کنند. عبدالله به خانه کدخدا رفته برای او کیسه‌ای می‌برد او قصد ازدواج با دختر کدخدا را دارد. در راه بازگشت معلم روستا را می‌بیند. آن‌ها باهم دوست هستند. عبدالله به خانه خودش برمی‌گردد. اهالی روستا صبح روز بعد ننه‌صغری که از شدت ترس بی‌هوش شده را در نزدیکی حسنی پیدا کردند. عبدالله با مسافران به شهر می‌رود. تقی آبیار شب‌هنگام با حسنی برخورد کرده، از شدت ترس پا به فرار می‌گذارد و سرزده وارد خانه‌ی یکی از اهالی می‌شود. زن صاحب‌خانه از ترس غش می‌کند و تقی آبیار نیز به زمین افتاده، تشنج کرده، می‌لرزد. مردم روستا در اطراف حسنی جمع شده‌اند. تقی آبیار که حالت دیوانگی پیدا

کرده است را با ماشین عبدالله به شهر می‌برند. اهالی روستا در مورد صدای پای حسنی که شب‌ها به گوش می‌رسد، صحبت می‌کنند. درحالی‌که معلم در کلاسش مشغول دیکته گفتن به شاگردان است زن صفر برای خواسته‌اش پیش حسنی رفته است، آب روی سر خود و حسنی می‌ریزد. شب‌هنگام معلم و عبدالله فانوس به دست به قبرستان و مزرعه می‌روند اما حسنی سر جایش نیست. معلم و خانواده‌اش صدای حسنی را در حیاط خانه می‌شنوند. مردان روستا درب خانه معلم آمده خبر از گم شدن نرگس دختر کدخدا می‌دهند. همگی برای یافتن او می‌روند. نرگس را پای حسنی درحالی‌که خواب است پیدا می‌کنند. نرگس بیدار شده چادرش را برمی‌دارد و از مسیر جنگل به خانه بازمی‌گردد. ترس بر مردم روستا غلبه کرده است. آن‌ها شروع به قفل کردن درب‌ها و آماده کردن سلاح‌های خود می‌کنند. فردای آن روز نرگس به حمام می‌رود ننه‌کبرای، دلاک حمام‌زنانه پشت‌سرش حرف می‌زند. مردم اعمال خرافه برای محافظت از خود نشان می‌دهند. سگ خانه معلم کشته شده است. عبدالله تصمیم می‌گیرد مترسک را ازبین ببرد. شب‌هنگام با بیل به سراغ حسنی می‌رود؛ اما به‌جای از بین بردن مترسک خودش از ناحیه پا به‌شدت زخمی می‌شود. پای عبدالله در عرض سه روز قانقاریا گرفته و باید قطع بشود تا زنده بماند؛ اما عبدالله نمی‌خواهد پایش را ازدست بدهد و مانند حسنی یک پا داشته باشد. عبدالله در بستر مرگ افتاده و در کابوس و رؤیا به‌سر می‌برد او می‌بیند که با اهالی روستا علیه مترسک‌ها که تعدادشان زیاد است، متحد شده‌اند و به جنگ مترسک‌ها رفته، آن‌ها را به آتش می‌کشند و برای همیشه از شر آن‌ها خودشان را نجات می‌دهند. عبدالله پریشان از رؤیا بیرون می‌آید. دوستانش در کنار بستر او نشسته‌اند. عبدالله وصیت می‌کند. تکه زغالی که در جیب دارد به معلم می‌دهد. و نفس آخر را می‌کشد. مراسم خاک‌سپاری عبدالله برگزار می‌شود. نرگس خیره به مترسک می‌ماند. معلم سر کلاس درس شاگردانش است. جمله‌ای بر روی صفحه‌ای می‌نویسد: « دریا به جرعه‌ای که تو از چاه می‌خوری حسادت می‌کند».

## سطح دوم روایت در داستان « معصوم اول» و فیلم « سایه‌های بلند باد»

در بخش دوم روایت رویدادها به‌ترتیبی که در متن آمده است، بیان می‌شوند. به‌عبارتی همان گفتمان متن که بین دو سطح داستان و روایت تفاوت ایجاد می‌کند، بررسی می‌شود. سطح دوم روایت (سخن) همان گفتمان متن یا ترتیب رویدادها در متن است، نه ترتیب و نه توالی واقعی رویدادها.

## سطح دوم روایت در داستان « معصوم اول»

روایت در داستان « معصوم اول» به‌صورت نامه‌ای است که راوی قصه دارد در جواب نامه‌ی برادرش می‌نویسد و ترتیب وقایع را با توجه به قصه و سخن خود قرار داده است و اولویت خاصی برای گفتمان خود تعیین نکرده است. راوی که خود در داستان حضور دارد و برخی از حوادث قصه برای خودش رخ داده است. تلاش می‌کند جزییات داستان را براساس ذهنیات خود تعریف کند. هیچ اجباری بر خواننده وارد نیست. خواننده می‌تواند با هرکدام از شخصیت‌های قصه ارتباط برقرار کند. درواقع همه شخصیت‌ها دارای صدای خود هستند که راوی قصه با معرفی آن‌ها و بیان خصوصیات آن‌ها گفتمان را برای خواننده به‌وجود می‌آورد و ارتباط سازنده و تأثیرگذار برقرار می‌کند.

## سطح دوم روایت در فیلم « سایه‌های بلند باد»

گفتمان فیلم راوی ندارد. بیننده با شروع روایت آهسته‌آهسته وارد ماجرا می‌شود، با دیدن صحنه‌های مختلف

شخصیت‌ها را می‌شناسد و گفتمان لازم در پیشبرد صحنه‌ها به‌وجود می‌آید. فیلم در روایت متکی بر داستان نیست و در شخصیت‌پردازی‌ها بیننده را وادار به شنیدن صدای فرد خاصی نمی‌کند. تمام شخصیت‌ها در گفتمان خود برابر هستند و این از مزایای صحنه‌های فیلم و پرداخت شخصیت آن‌ها در ایجاد یک گفتمان مفید است. بنابراین؛ می‌توان گفت فیلم در سطح دوم روایت موفق‌تر از داستان «معصوم اول» عمل کرده است.

## سطح سوم روایت در داستان «معصوم اول» و فیلم «سایه‌های بلند باد»

سطح سوم داستان مربوط به روایت‌گری است که در آن داستان تبدیل به روایت می‌شود. به‌عبارتی‌دیگر حرکت داستان به روایت از طریق کیفیت روایت‌گری مشخص می‌شود. مؤلفه‌هایی که در داستان وجود دارد، سه سطح روایی فوق را در یک زنجیره تعاملی قرار می‌دهند. براساس نظریه ژنت زمان دستوری، حال‌وهوا و صدا که داستان، روایت و روایت‌گری ازطریق آن‌ها با یکدیگر در تعامل هستند، در این سطح از روایت قابل‌بررسی هستند.

## زمان دستوری در داستان «معصوم اول» و فیلم «سایه‌های بلند باد»

در زمان دستوری رویدادها ازنظر زمانی بررسی می‌شود و خود به سه بخش تقسیم می‌شود.

**الف- نظم‌وترتیب:** در این بخش توالی زمانی رویدادها در داستان و توالی زمانی رویدادها در روایت باهم در ارتباط هستند. در داستان این ترتیب توالی زمانی به‌ترتیب روی می‌دهد. اما ممکن است در روایت این ترتیب برهم بخورد و رویدادها تقدم‌وتأخر خود را ازدست بدهند. گلشیری در داستان «معصوم اول» توالی حقیقی رویدادها را از گفت‌وگوی معلم (دبیر روستا) با برادرش، آغاز کرده است. اما این توالی به‌ترتیب نیست بنابراین در سطح روایت هم قصه به‌ترتیب پیش نمی‌رود و از سه مقوله‌ی پیش‌نمایی (گذر به آینده)، پس‌نمایی (گذر به گذشته) و زمان‌پریشی (برهم‌ریختگی وقایع)، دارای دو مقوله‌ی پس‌نمایی و زمان‌پریشی است. در ترتیب داستان و روایت به‌نظر می‌رسد که هنوز شخصیت عبدالله زنده است اما بعد از پیشروی اندکی در قصه خواننده متوجه می‌شود که عبدالله شب قبل فوت کرده و نامه بعد از مردن عبدالله نوشته شده است. بنابراین خواننده به‌دلیل نداشتن ترتیب در روند زمان دستوری روایت کردن دچار زمان‌پریشی می‌شود.

اما در فیلم «سایه‌های بلند باد» ترتیب در زمان دستوری به‌درستی بیان شده است. یعنی فیلم از هیچ‌کدام از سه مقوله‌ی پیش‌نمایی، پس‌نمایی، یا زمان‌پریشی استفاده نکرده است. بلکه ترتیب و توالی روایت کردن را رعایت کرده است. روایت‌گری توسط راوی صورت نمی‌گیرد بلکه به مخاطب اجازه می‌دهد که گام‌به‌گام با داستان و روایت ارتباط برقرار کرده و به‌آرامی وارد داستان و روایت شده، هم‌زمان با اتفاقات پیشبرد داستان و روایت را به‌طورملموس دنبال می‌کند. پس این سه مقوله در روایت‌گری فیلم جایگاهی ندارند.

**ب- مدت یا تداوم:** در داستان «معصوم اول» حکایت به‌صورت یک نامه در حال نقل شدن است. انتخاب فرم نامه برای این داستان به‌دلیل کوتاه بودن داستان است. داستان ده صفحه را به خودش اختصاص داده است. درواقع از توصیف بیش‌ازحد جزییات خودداری شده است. ساده و روستایی بودن شخصیت‌ها و نداشتن پیچیدگی روحی، گلشیری از مطرح کردن خیلی از جزییات خود را منع و حکایت را در فرم یک داستان‌کوتاه مطرح می‌کند. درواقع داستان قابلیت پرداخت بیشتری را دارا است. می‌توان با بررسی درونیات و روحیات شخصیت‌ها تعداد صفحات بیشتری به آن‌ها اختصاص داد. اما داستان در ده صفحه و بیست و دو رویداد به قلم آمده است. شرح رویدادها به‌ترتیب در جدول شماره یک ذکر شده است.

**جدول شماره ۱: رویدادها در داستان « معصوم اول»**

| شماره رویداد | رویداد |
|---|---|
| ۱ | نامه نوشتن معلم روستا برای برادرش که در شهر زندگی می‌کند. |
| ۲ | عقد کردن دختر فتح‌الله برای اصغر |
| ۳ | زن‌دایی دختر دوقلو به دنیا آورده است. |
| ٤ | مکه رفتن میرزاعمو |
| ٥ | فرستادن صندوق میوه برای برادرش |
| ٦ | امکان دسته‌گل به آب دادن عبدالله در رساندن صندوق |
| ۷ | نیت کردن در فرستادن یک کیسه‌برنج برای برادرش |
| ۸ | مریض بودن عبدالله، مرضی که به پایش سرایت کرده است. |
| ۹ | مسافرکشی عبدالله، کمک کردن عبدالله به مردم ده |
| ۱۰ | عبدالله با زغال برای مترسک ده (حسنی) چشم‌وابرو و سیبیل می‌کشد. |
| ۱۱ | غش کردن ننه‌صغرا با دیدن حسنی |
| ۱۲ | مجنون شدن تقی آبیار از به حرکت درآمدن حسنی |
| ۱۳ | سقط‌جنین زن میرزایدالله از دیدن تقی آبیار |
| ۱٤ | شنیده شدن صدای پای حسنی توسط معلم و زنش |
| ۱٥ | ربوده شدن نرگس دختر کدخدا توسط حسنی و پیدا شدنش صبح فردا |
| ۱٦ | شایعه ساختن ننه‌کبرای دلاک حمام‌زنانه برای نرگس دختر کدخدا |
| ۱۷ | غسل دادن حسنی توسط ننه‌کبرای |
| ۱۸ | تعقیب کردن معلم توسط حسنی |
| ۱۹ | طواف کردن حسنی توسط زن حامله حاج تقی |
| ۲۰ | حمله کردن عبدالله به حسنی و ناکام بودنش |
| ۲۱ | ممانعت عبدالله از قطع کردن پایش توسط دکتر به‌دلیل ترس از یک پا داشتن و شبیه شدن به حسنی |
| ۲۲ | مردن و خاک‌سپاری عبدالله و شنیدن صدای پای حسنی که صاحب دو پا شده است. |

با توجه به آغاز و پایان داستان می‌توان دریافت که راوی رویدادهای قصه را در یک بازه زمانی مشخص روایت کرده است و داستان با یک پایان باز به اتمام می‌رسد. گویی با پایان روایت در داستان، روایت در ذهن خواننده آغازی مجدد دارد. داستان با نوشتن نامه معلم به برادرش آغاز و با مرگ عبدالله ادامه دارد. نامه تمام می‌شود اما روایت درون نامه تازه آغاز می‌شود. نکته ضروری این است که با ورود عبدالله به داستان و تزیین حسنی حوادث و رویدادهای قصه رقم می‌خورند. داستان قهرمان‌پروری ندارد اما به‌نظر می‌رسد پیروز میدان نه انسان‌ها بلکه خرافه‌های آنان که مترسک حسنی را ساخته‌اند، است. سایه حسنی بر تمام حوادث داستان سنگینی می‌کند. معلم که راوی داستان است فاصله زیادی با برادرش دارد ولی

هنگام بازگو کردن رویدادها زمان اندکی را مدنظر دارد. پس با وجود فاصله زیاد بین معلم و برادرش انگار از مدت‌زمان قصه زمان زیادی نمی‌گذرد و حوادث منوط به اتفاقات چند روز اخیر است.
در فیلم « سایه‌های بلند باد»، روایت با شروع تیتراژ فیلم و شنیده شدن نوع خاصی از موسیقی آغاز می‌شود فیلم در هفده سکانس روایت می‌شود. زمان روایی فیلم ده (روز و شب) است و با تعداد صفحات داستان برابری می‌کند. شرح رویدادهای فیلم در جدول شماره دو ذکر شده است.

**جدول شماره ۲: رویدادهای فیلم «سایه‌های بلند باد»**

| شماره سکانس | توضیح رویداد سکانس |
|---|---|
| ۱ | ساختن حسنی و نصب ان در مزرعه کنار قبرستان طی مراسم ایینی توسط مردم ده و درخواست کمک از او (روز) |
| ۲ | ورود مینی‌بوس عبدالله به همراه مسافران، توقف کنار قبرستان، اضافه کردن چشم، ابرو، دهان و کلاه به حسنی (روز) |
| ۳ | قدردانی مردم ده از عبدالله به‌خاطر تزیین حسنی، بردن کیسه‌برنج به خانه کدخدا و دیدن نرگس، ملاقات با دبیر ده در راه بازگشت (روز) |
| ٤ | ورود عبدالله به خانه خودش، شام درست کردن مادر عبدالله (شب) |
| ٥ | خانه اهالی ده، صحبت از ازدواج عبدالله و نرگس دختر کدخدای ده (شب) |
| ٦ | بی‌هوش شدن ننه‌صغرا از دیدن حسنی (روز) |
| ۷ | بردن ننه‌صغرا به شهر برای مداوا توسط عبدالله (روز) |
| ۸ | مواجه شدن تقی آبیار با حسنی، مجنون شدن تقی آبیار (شب) |
| ۹ | بردن تقی آبیار به شهر برای مداوا توسط عبدالله (روز) |
| ۱۰ | خانه اهالی ده، شنیدن صدای یک پا، ورود حسنی به ده (شب) |
| ۱۱ | غسل دادن حسنی توسط زن اصغر، مشاهده صحنه توسط مدیر ده (روز) |
| ۱۲ | رفتن آقای مدیر و عبدالله برای بازدید از حسنی اما در مزرعه نیست (شب) |
| ۱۳ | گم شدن نرگس و پیدا شدنش در کنار حسنی (روز) |
| ۱٤ | ترس و وحشت مردم ده و آماده‌سازی سلاح برای دفاع، شایعه‌سازی ننه‌کبرای دلاک (روز) |
| ۱٥ | مست کردن عبدالله، حمله کردن به حسنی و زخمی شدن پای عبدالله (شب) |
| ۱٦ | روی‌ای مبارزه اهالی با حسنی و پیروزی مردم بر حسنی، مرگ عبدالله به‌دلیل ممانعت از قطع شدن پای زخمی (روز) |
| ۱۷ | مراسم خاک‌سپاری عبدالله و مشاهده مراسم توسط آقای معلم (روز) |

روند رویدادهای فیلم با داستان هماهنگ نیست البته به‌دلیل وجود خلاقیت کارگردان لزومی به رعایت روند رویدادهای مشابه با داستان وجود ندارد. رویدادها با اجرای مراسم آیینی یا خرافه‌های اهالی ده شروع می‌شود اما روند حوادث با ورود عبدالله به داستان شروع می‌شود. قهرمان داستان، عبدالله است و جانش را برای مبارزه با حسنی ازدست می‌دهد. داستان با ورود عبدالله به ده شروع و با مرگ او پایان می‌یابد. فیلم دارای پایان باز نیست. زمان رویدادها طولانی نیست و مدت‌زمان یا تداوم زمانی در روایت‌گری فیلم در مدت ده شبانه‌روز اتفاق می‌افتد. تداوم زمانی برای روایت‌گری در فیلم متناسب با روایت است.

**ج- بسامد:** روایت در داستان و فیلم از نوع روایت چندگانه است. زیرا واقعه که ساخته شدن حسنی و اتفاقات مربوط به آن است، چندین‌بار روی می‌دهد و بیان می‌شود.

## حال‌وهوا (وجه) در داستان «معصوم اول» و فیلم «سایه‌های بلند باد»

وجه یا حال‌وهوا از طریق دو مؤلفه‌ی فاصله و دیدگاه خلق می‌شود.

**الف- فاصله:** بین روایت‌گری و داستان است و هنگامی پدید می‌آید که راوی داستان یکی از شخصیت‌های آن باشد. به‌عبارتی‌دیگر اگر مداخله راوی در داستان بیشتر باشد فاصله بیشتر و هنگامی‌که مداخله راوی کمتر باشد و حضور او احساس نشود فاصله کمتر است. با این تعاریف فاصله در داستان « معصوم اول» زیاد است. زیرا راوی خود در داستان حضور و در روایت‌گری نیز دخالت زیادی دارد. اما در فیلم « سایه‌های بلند باد» فاصله کم است چون حضور راوی در روایت‌گری فیلم احساس نمی‌شود.

**ب-دیدگاه یا چشم‌انداز:** در داستان « معصوم اول» خواننده روند روایت‌گری را از دیدگاه معلم می‌بیند. بنابراین معلم در نامه‌ای که برای برادرش می‌نویسد شرح رویدادها را عنوان می‌کند. این چشم‌انداز بر داستان سایه گسترانده است. خواننده اجازه دیدن چشم‌انداز سایر شخصیت‌ها را ندارد. اما در فیلم « سایه‌های بلند باد» روایت‌گری از چشم‌انداز متفاوتی به بیننده نشان داده می‌شود به‌این‌صورت که همگی شخصیت‌ها در پیشبرد رویدادها و عمل روایت‌گری به‌طورمساوی سهم داشته و برابر هستند. زاویه‌دید در فیلم تحمیلی نیست و زاویه‌دید باز وجود دارد. بنابراین بیننده آزادانه تصمیم می‌گیرد که چشم‌اندازهای متفاوت را تجربه کند.

## صدا یا لحن (آوا) در داستان « معصوم اول» و فیلم « سایه‌های بلند باد»

داستان « معصوم اول» از زبان دانای‌کل یا سوم‌شخص بیان نشده است. بلکه راوی روایت را از داخل متن آغاز کرده و خود در داستان حضور دارد. داستان تنها از زبان معلم که در حال نوشتن نامه برای برادرش است، حکایت می‌شود. مؤلف در این داستان فقط به معلم صدا داده است و از سایر شخصیت‌ها صدایی به گوش خواننده نمی‌رسد. بنابراین خواننده به‌واسطه شخصیت معلم و روایت او می‌تواند با سایر شخصیت‌های داستان ارتباط برقرار کند. راوی گاهی به تک‌گویی در وصف حال خود می‌پردازد و در بقیه موارد در حال توصیف سایر شخصیت‌های داستان است. سایر شخصیت‌های داستان در نقل داستان به‌صورت مستقل فاقد آوا هستند. پس به‌دلیل نقل داستان تنها از زاویه‌دید معلم با توجه به نظریه ژنت و با توجه به داستان‌های کلاسیک، زاویه‌دید در این داستان کانونی‌سازی نشده است؛ زیرا رویدادها از دیدگاه سوم‌شخصی که در داستان حضور دارد و بیش‌ازهمه بر داستان آگاهی دارد، بیان می‌شود. در داستان صدایی که بیش‌ازهمه بر وقایع داستان آگاه است، صدای معلم است. پس روایت از داخل متن صورت گرفته است نه از خارج متن.

در فیلم « سایه‌های بلند باد» با توجه به آراء ژنت، کانونی‌سازی در داخل داستان انجام گرفته است. راوی در داستان سوم‌شخص یا دانای‌کل است و در داستان وجود ندارد. بنابراین آگاهی شخصیت‌ها اندازه با بیننده است. راوی بیش از سایر شخصیت‌ها از آگاهی برخوردار نیست، درواقع می‌توان گفت روایت فیلم برعهده شخصیت‌های داستان است، نه راوی. شخصیت‌ها به‌یک‌اندازه صدا و آوا دارند و بیننده می‌تواند صدای همه شخصیت‌ها را بشنود. فیلم‌ساز با این کار به بیننده اجازه می‌دهد با هرکدام از شخصیت‌ها ارتباط برقرار کرده و صدای آن‌ها را بشنود. پس در این مرحله با استناد به نظریه ژنت می‌توان گفت فیلم به‌مراتب بهتر از داستان عمل کرده است و در روایت‌گری از داستان پیشی گرفته است. در فیلم این صدای

راوی نیست که بیش‌ازهمه به گوش می‌رسد و بر همه وقایع داستان آگاه باشد بلکه همه شخصیت‌های داستان دارای صدایی یکسان هستند. آگاهی بیننده ازطریق شخصیت‌ها به بیننده انتقال داده می‌شود.

سنجش میزان روایت‌گری شخصیت‌ها در داستان « معصوم اول» و فیلم « سایه‌های بلند باد»

در این بخش با توجه با بررسی‌های انجام‌شده در داستان و فیلم می‌توان میزان سطح روایت‌گری را سنجش کرد و با توجه به این سنجش، مقدار موفق بودن سطح روایت‌گری در داستان و فیلم را تفکیک کرد. در داستان با توجه به تعداد رویدادها شخصیت اصلی که عبدالله است در هشت رویداد شرح داده شده است و در بقیه رویدادها که توسط معلم برای برادرش روایت می‌شود، خود معلم صدا دارد نه عبدالله. سنجش میزان دخالت راوی و شخصیت در شکل شماره ۲ قابل‌مشاهده است. بنابراین؛ میزان آگاهی راوی از شخصیت اصلی بیشتر است و صدای معلم بیشتر از صدای شخصیت اصلی است.

در فیلم، میزان روایت‌گری شخصیت‌ها نسبت به شخصیت اصلی کمتر است. شخصیت‌ها دارای صدا یا آوای یکسانی هستند و راوی در روایت‌گری دخالتی ندارد. حضور شخصیت اصلی در ده سکانس از هفده سکانس فیلم پررنگ‌تر است. بنابراین با سنجش میزان روایت‌گری در داستان و فیلم می‌توان گفت فیلم در روایت‌گری و استفاده از سطوح روایت‌گری با توجه به آراء ژنت نسبت به داستان موفق‌تر بوده است. سنجش میزان روایت‌گری در داستان و فیلم در شکل ۲ و ۳ به‌ترتیب نشان داده شده است.

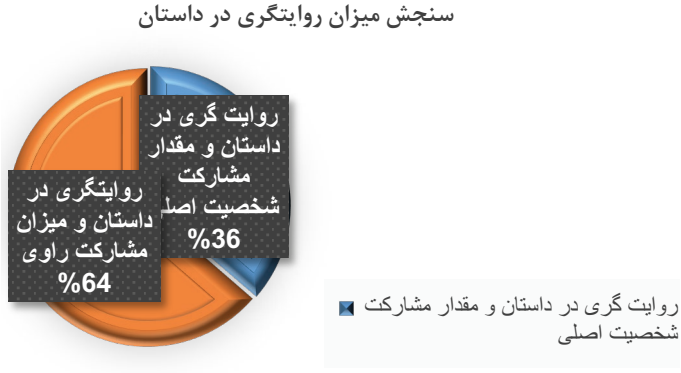


**شکل شماره ۲: سنجش میزان روایت‌گری در داستان « معصوم اول»**

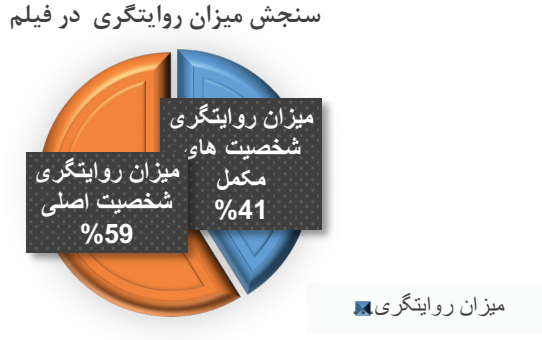


**شکل شماره ۳: سنجش میزان روایت‌گری در فیلم**

**شکل شماره ۳: سنجش میزان روایت‌گری در فیلم « سایه‌های بلند باد»**

**مقایسه‌تطبیقی سطوح سه‌گانه در داستان « معصوم اول» و فیلم « سایه‌های بلند باد»**

با توجه به نظریات ژنت، گلشیری در داستان « معصوم اول» با استفاده از سطوح و امکانات روایت‌گری مانند داستان، روایت و روایت‌گری قصه خود را خلق کرده است. در بیان داستان، از مؤلفه‌هایی استفاده کرده است. توالی رویدادها با به‌کارگیری زمان دستوری که از گفت‌وگوی معلم با نوشتن نامه‌ای برای برادرش آغاز و تا مرگ عبدالله ادامه می‌یابد. روایت داستان به‌غیراز چند جای داستان، با همین‌ترتیب ادامه می‌یابد. درنتیجه داستان با نظم‌وترتیبی همراه است و به‌غیراز دو مقوله‌ی پیش‌نمایی، پس‌نمایی، شامل اندکی زمان‌پریشی است.

مدت‌زمان یا تداوم در دو رویداد نقل شده است. جزییات اندکی از شخصیت‌ها را به همراه دارد و فقط از شخصیت اصلی داستان جزییات بیشتری برای خواننده مطرح شده است. نویسنده می‌توانست داستان را با شرح بیشتری از شخصیت‌ها خلق کند اما در فرم داستان‌کوتاه و در ده صفحه آن را ایجاد کرده است و با مهارتی ستودنی حجم زیادی از شخصیت‌ها را در داستان گنجانده است.

روایت بسامد نیز در این داستان چندگانه است. معلم شخصیت حسنی را چند بار مطرح کرده است و در روند داستان نیز شخصیت حسنی چندین‌بار از زبان شخصیت‌ها مطرح می‌شود.

دانای‌کل یا سوم‌شخص داستان، خود معلم است که روایت را از داخل متن آغاز کرده است و در داستان نیز حضور دارد و در بخش‌هایی از قصه، ادامه روایت همواره برعهده معلم است. بیشتر تک‌گویی‌ها از زبان شخصیت معلم اتفاق می‌افتد.

زاویه‌دید داستان کانونی‌سازی نشده است؛ زیرا رویدادها از دیدگاه سوم‌شخص که بیش‌ازهمه بر داستان آگاهی دارد، روایت می‌شود. معلم از همان آغاز داستان در حال اعلام رویدادها و نشان دادن تسلط خود بر متن، به خواننده است. گویی شخصیت معلم همان شخصیت نویسنده است یا نویسنده در قالب معلم در حال روایت داستان است.

راوی یا همان معلم میان داستان و روایت فاصله ایجاد نکرده است، مؤلفه‌ی فاصله و چشم‌انداز در داستان از ابتدا تا انتها، خود معلم است و دیگر شخصیت‌ها چشم‌انداز یا زاویه‌دید مستقل ندارند.

روایت‌گری در فیلم « سایه‌های بلند باد» در مؤلفه‌هایی که ژنت برای روایت‌شناسی معرفی می‌کند در آغاز سطح اول (داستان) شامل هفده سکانس است و در ده شبانه‌روز روایت می‌شود و به‌آرامی وارد سطح دوم (روایت) می‌شود و به سطح سوم یعنی (روایت‌گری) منجر می‌شود. فیلم در بیان این سه سطح از مؤلفه‌های ژنتی مدد گرفته است.

فیلم در به‌کارگیری زمان دستوری ازنظر توالی حقیقی به‌ترتیب روایت، نمایش داده می‌شود. از ورود عبدالله به ده، مواجه با حسنی و تا مرگ عبدالله ادامه خواهد داشت. پس فیلم با نظم‌وترتیبی همراه است و سه مقوله‌ی (گذر به آینده)، پس‌نمایی (گذر به گذشته) و زمان‌پریشی (برهم‌ریختگی وقایع) در روند فیلم مشاهده نمی‌شود.

مدت یا تداوم، در هفده سکانس به نمایش گذاشته شده است. جزییاتی مثل خصوصیات ظاهری عبدالله، دبیر، نرگس و سایر شخصیت‌های مکمل را به همراه دارد. درواقع مدت و تداوم براساس زمان فیلم با اندازه است. روایت در این فیلم چندگانه است به‌دلیل این‌که اتفاقات مربوط به حسنی چندین‌بار مطرح شده و به نمایش درمی‌آید. بیشتر شخصیت‌های فیلم نیز آن را نقل می‌کنند.

دانای‌کل یا سوم‌شخص فیلم، کارگردان یا خود فیلم‌ساز است که در روند روایت حضور ندارد. روایت از درون فیلم آغاز می‌شود ولی فیلم از زبان راوی نمایش داده نمی‌شود. مونولوگ در فیلم جایی ندارد.

زاویه‌دید فیلم کانونی‌سازی شده است. زیرا رویدادها از دیدگاه سوم‌شخص که بیش‌ازهمه آگاهی داشته باشد، نشان داده نمی‌شود.

راوی یعنی فیلم‌ساز، فاصله‌ای میان داستان فیلم و روایت آن به‌وجود نیاورده است. پس مؤلفه‌ی فاصله و چشم‌انداز بیان نشده است؛ به‌عبارتی فیلم از زاویه‌دید راوی نمایش داده نمی‌شود بلکه از زاویه‌دید شخصیت‌های فیلم به نمایش درمی‌آید.

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در مورد داستان و فیلم براساس آراء ژنت و سنجش هر دو در سطوح مختلف روایت می‌توان گفت هر دو اثر از سطوح روایت‌گری برای خلق داستان و فیلم بهره گرفته‌اند. در تطبیق این دو اثر مشاهده می‌شود که درصد استفاده فیلم از سطوح روایت‌گری بیشتر از داستان است؛ بنابراین به‌نظر می‌رسد فیلم در روایت‌گری بر داستان پیشی گرفته است.

## نتیجه‌گیری

داستان «معصوم اول» از گلشیری و فیلم «سایه‌های بلند باد» از فرمان‌آرا برای روایت‌گری از تکنیک‌های متفاوتی از سطوح روایت‌گری ژنت بهره برده‌اند به‌این‌ترتیب که داستان در بیست و دو روایت و فیلم در هفده روایت، حوادث را به خواننده و بیننده منتقل می‌کنند. هرچقدر داستان یا فیلم از تکنیک‌ها و سطوح مختلف روایت‌گری بهره بیشتری برده باشند، خواننده یا بیننده در همذات‌پنداری با اثر موردنظر موفق‌تر عمل می‌کند. با مقایسه و تطبیق دو اثر پژوهش‌شده، می‌توان بیان کرد که میزان بهره‌وری داستان نسبت به فیلم از سطوح کمتری برخوردار است البته این اندازه استفاده درواقع از تکنیک‌های نویسنده است. با سنجش و درصدگیری میزان روایت‌گری در داستان و فیلم می‌توان به این پدیده اشاره کرد که فیلم در استفاده از سطوح روایت‌شناسی گام‌های موفق‌تری نسبت به داستان برداشته است. پس هرچقدر خالق اثر هنگام خلق، سطوح روایت‌شناسی را مدنظر داشته باشد، می‌تواند به‌مراتب آثار خلاقانه‌تری را بیافریند. در این پژوهش میزان روایت‌گری فیلم با درصد بیشتری از داستان پیشی گرفته است. پس فیلم در ذهن بیننده ماندگاری و تداوم بیشتری نسبت به داستان خواهد داشت.

## فهرست منابع


- احمدی، بابک (۱۳۷۰)، *ساختار تأویل متن*، تهران: نشر مرکز.
- اخوت، احمد (۱۳۹۲)، *زبان دستور داستان*، اصفهان: نشر فردا.
- اسکولز، رابرت، (۱۳۸۳)، *ساختارگرایی در ادبیات*، مترجم: فرزانه طاهری، تهران: نشر آگه.
- ایوتادیه، ژان (۱۳۷۸)، *نقد ادبی در قرن بیستم*، مترجم: مهشید نونهالی، تهران: نشر نیلوفر.
- برسلر، چارلز (۱۳۸۶)، *درآمدی بر روش‌ها و نظریه‌های نقد*، مترجم: حسین عابدینی و مصطفی پاینده، تهران: نشر نیلوفر.
- تایسن، لیس، (۱۳۸۷) *نظریه نقدهای ادبی معاصر*، مترجم: عباس مخبر، تهران: نشر طرح نو.
- دزفولیان، کاظم و مولودی فؤاد، (۱۳۸۸) «تاریخ‌شناسی روایت بیهقی»، *پژوهش‌نامه علوم‌انسانی*، شماره (۳).
- راغب، محمد (۱۳۹۱) *روایت‌شناسی*، مترجم: فهیمه تسلی‌بخش و ثمین اسپرغم، تهران: نشر آگه.
- شلومیت، ریمون (۱۳۸۷) *روایت بوطیقای داستانی معاصر*، مترجم: ابوالفضل حری، تهران: نشر نیلوفر.
- عطار، فریدالدین (۱۳۷۱) *منطق‌الطیر*، به‌اهتمام صادق گوهرین، تهران: نشر علمی فرهنگی.
- فرمان‌آرا، بهمن (۱۳۵۷) فیلم «سایه‌های بلند باد».
- گلشیری، هوشنگ (۱۳۴۹)، *نیمه‌ی تاریک ماه*، اصفهان: نشر نیلوفر.
- والاس، مارتین (۱۳۸۹)، *نظریه‌های روایت*، مترجم: محمد شهبا، تهران: نشر هرمس.
- ویدوسون، پیتر رامان، سلدن (۱۳۸۴) *راهنمای نظریه ادبی معاصر*، مترجم: عباس مخبر، تهران: نشر طرح نو.
- یاکوب، لوته (۱۳۸۶) *مقدمه‌ای بر روایت در ادبیات و سینما*، مترجم امید نیک‌فرجام، تهران: نشر مینوی خرد.

Received: 2020/07/14
Accepted: 2022/07/03
Published: 2022/09/06



# Comparative Narrative the Story of the Infallible First Houshang Golshiri and the Film Long Shadows of the Wind by Bahman Farman Ara Based on the Votes of Gerard Genet

**Zahra Rasta, Isfahan Azad University, Khorasgan Branch**

**Abstract**

Stories that can turn into screenplays and adaptations made from these stories both use various methods and semantic sciences in their structure to create the narrative. Various theories of narratology analyze and compare the structure and components of storytelling and adaptation. One of the most important theories in this field is Gerard Genet's theory. The present study examines the short story of Houshang Golshiri called Masoom Aval and the film Long Shadows of the Wind by Bahman Farmanara, which is an adaptation of it from the perspective of different levels of narrative elements including order, continuity, time, sound, and tone in various parts of the story. The film compares Genet's theories with comparative comparisons to gauge their success in the narrative. These measurements showed that in some levels of the story and some levels of the film, it has surpassed the contradictory effect in terms of narratology. If the creator of a work of art makes more use of narrative levels, he can perform best in creating his work of art and keeping it in the mind of the reader or viewer. The artwork created by this method becomes art with more comprehensibility for readers and viewers. Therefore, by measuring the number of events, it can be perceived that the film has benefited from narrative levels more than the story. Narratives are shown separately on particular tables. The assessment of narratives is also presented in the form of a diagram that can be examined and applied. Based on these tables and measurements, it can be seen that the payment of narration in the film is more in line with Zenith's views. But in the story in question, according to studies and assessments, it can be noted that its narrative payment to the film is far from Genet's views. Therefore, the film has been more successful in narratology. Based on the filmmaker's ideas, the film's narrative has been able to take a step forward in storytelling due to the filmmaker's creativity in using film-making elements such as screenwriting, camera movements, acting, etc., and has even surpassed the story in some cases.

Keywords: The story of the first innocent, the film Long Shadows of the Wind, Gerard Genet, Houshang Golshiri, Bahman Farmanara